



نیاز برنامه سلامت خانواده به بودجه

معاون بهداشت وزارت بهداشت تأکید کرد که اجرای کامل برنامه سلامت خانواده به بودجه نیاز دارد. به گزارش ایسنا، حسین فرشییدی درباره آخرین وضعیت برنامه «سلامت خانواده و نظام ارجاع» اظهار کرد: در حال حاضر ۱۹۵ شهر که تعداد جمعیت این شهرها در مجموع به ۲۷ میلیون نفر می‌رسد، تحت پوشش برنامه سلامت خانواده و نظام ارجاع قرار دارد. علاوه بر جمعیت ۲۷ میلیون نفری در بخش شهری، حدود ۳۰ میلیون نفر از جمعیت روستایی کشور نیز از خدمات سلامت خانواده استفاده می‌کنند. او ادامه داد: وزارت بهداشت در نظر دارد تعداد افراد تحت پوشش برنامه سلامت خانواده را افزایش دهد. افزایش تعداد افراد تحت پوشش برنامه سلامت خانواده نیازمند تخصیص بودجه است. ما در وزارت بهداشت با سازمان برنامه و بودجه جلساتی برگزار کرده‌ایم و در انتظار پاسخ این سازمان برای تخصیص بودجه برای افزایش جمعیت تحت پوشش برنامه سلامت خانواده هستیم.



لغو دو روز از امتحانات نهایی

پس از کش و قوس‌های فراوان درباره صدور کارت امتحانات نهایی دانش‌آموزان، در نهایت این امتحانات در روزهای ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت لغو و به روزهای دیگری موکول شد. با توجه به آغاز فصل امتحانات نهایی دانش‌آموزان سه پایه دوره متوسطه دوم، قرار بود توزیع کارت امتحانات نهایی از ساعت ۲۲ روز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت آغاز شود، اما به دلیل اختلال در سامانه آموزش و پرورش، این فرآیند به عصر روز ۲۷ اردیبهشت موکول شد. با این حال تا روز ۲۸ اردیبهشت نیز این سامانه همچنان با اختلال روبه‌رو بود. در نهایت روز گذشته وزارت آموزش و پرورش در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که به دلیل بروز مشکل در فرآیند دریافت کارت ورود به جلسه، آزمون روز اول پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم تغییر کرد و به روزهای ۲۹ و ۳۱ خرداد موکول شد. زمان و ساعت امتحانات دیگر، مطابق تقویم اعلامی قبلی خواهد بود.



پرونده قضایی برای سیل مشهد

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان رضوی از برخورد بدون تبعیض با مقصران حادثه سیل اعم از نهادهای عمومی یا غیرعمومی و اشخاص حقوقی و حقیقی احتمالی خبر داد. به گزارش خبرنگاران، محمدحسین رودی اظهار کرد: از همان ساعات اولیه حادثه به معاونت حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادرسی عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان رضوی ماموریت داده شد تا در محل حضور پیدا کرده و هماهنگی لازم بین دستگاه‌های خدمات‌رسان را ایجاد و در صورت نیاز دستورات قضایی فوری جهت پیشبرد امور دستگاه‌های خدمات‌رسان یا رفع خطر از بناهای خطری یا صدور دستور تخریب ابنیه که به‌منظور عبور ایمن سیلاب باشد، صادر کنند. او اضافه کرد: برای تمام آسیب‌دیدگان اسکان مناسب فراهم و با توجه به قطعی برق، تامین وسایل روشنایی سیار با دستور این دادستانی در دستور کار شرکت برق قرار گرفت.

در نشست «موانع امنیت شغلی روزنامه‌نگاران و راه‌های تقویت آن» مطرح شد

روزنامه‌نگاری در میدان مین

المیرا روشنفکر

خبرنگار اجتماعی

«تضعیف رسانه‌ها به واسطه برخوردهای قهرآمیز»؛ این خلاصه حرف‌های سخنرانان میزگردی با عنوان «موانع امنیت شغلی روزنامه‌نگاران و راه‌های تقویت آن» است که به تازگی در مدرسه روزنامه‌نگاری و مطالعات رسانه بهارن و با حضور مهدی رحمانیان، مدیرمسئول روزنامه شرق، کامبیز نوروزی، حقوقدان رسانه‌ای و سعید ارکان زاده‌یزدی، مدرس و روزنامه‌نگار برگزار شد. کامبیز نوروزی روزنامه‌نگارانی را که می‌خواهند مستقل باشند روزنامه‌نگاران حرفه‌ای خواند که نمی‌خواهند پژواک صدای حاکمیت باشند و مدام در معرض انواع و اقسام خطرند. مهدی رحمانیان زیست رسانه‌ای را به حرکت در یک میدان مین بدون نقشه تشبیه کرد؛ میدان مینی که به گفته او هر آن ممکن است پای روزنامه‌نگاران روی یک مین برود، مین منفجر و کارشان تمام شود. سعید ارکان زاده هم فلسفه رسانه‌ای موجود در ایران را چیزی شبیه مهندسی فرهنگی دانست که به فلسفه آزادی رسانه‌ها قائل نیست و باید برای چشم‌انداز بهتر و دگرگونی در حوزه رسانه منتظر ماند و کج‌دار و مریز طی کرد.

وضعیت دوگانه روزنامه‌نگاری در ایران

کامبیز نوروزی که اولین سخنران این میزگرد بود، حرف‌هایش را با وام گرفتن از عنوان برنامه، درباره امنیت شغلی روزنامه‌نگاران آغاز کرد؛ موضوعی که به گفته او در متلاشه سه دهه اخیر برای روزنامه‌نگاران بوده است. او در تعریف امنیت شغلی گفت: «من مفهوم امنیت شغلی را در معنی کلی‌تر ثبات شغلی می‌دانم. ذیل این مفهوم با دو مفهوم دیگر روبه‌رویم؛ یکی امنیت شغلی و دیگری امنیت حرفه‌ای. امنیت شغلی به روابط بین روزنامه‌نگار و کارفرما برمی‌گردد. در این مفهوم، ضوابط و قواعد کار مورد بحث است. مثل برخورداری از حقوق و مزایا، مصونیت از اخراج و حقوق مختلفی که در قانون برای افراد در نظر گرفته شده است. در مفهوم امنیت حرفه‌ای، مقصود محفوظ ماندن روزنامه‌نگار از تعرض به سبب انجام وظیفه حرفه‌ای است.» به گفته نوروزی روزنامه‌نگار در هر حوزه‌ای که کار می‌کند، باید از تعرض مصون باشد: «این تعرض عموماً از سوی سازمان‌های حکومتی اتفاق می‌افتد. در واقع رابطه بین روزنامه‌نگار و حاکمیت در این بخش پررنگ است. مثل اینکه یک روزنامه‌نگار عکس، خبر یا مقاله‌ای منتشر می‌کند و بعد به‌واسطه آن باید پاسخگویی مراجع امنیتی یا قضایی باشد.»

او رسانه‌ها را به چند دسته تقسیم کرد: «دسته اول، نشریاتی که رؤسای مؤسسات‌شان را رهبری منصوب می‌کنند، مثل کیهان و اطلاعات. این دسته ثبات اداری و مدیران مسئول ثابت دارند و در دوران طولانی تغییر می‌هم در آنها اتفاق نمی‌افتد. دسته دوم رسانه‌هایی هستند که

رسماً متعلق به سازمان‌ها یا وزارتخانه‌های خاصی هستند. وضعیت این رسانه‌ها، تابع تغییراتی است که در مدیریت بالادستی آنها اتفاق می‌افتد. مثلاً روزنامه همشهری در زمان آقای کرپاسچی راه‌اندازی شد، بعد از مدتی شهردار تهران عوض شد و به تناسب این تغییرات، مدیریت این روزنامه هم دچار تغییر شد. دسته سوم رسانه‌هایی هستند که متعلق به سازمان خاصی نیستند اما به تعبیری وابسته‌اند. مثل خبرگزاری فارس، روزنامه فارس و تسنیم. دسته چهارم خبرگزاری‌ها و روزنامه‌هایی‌اند که مستقل هستند و متعلق به بخش خصوصی‌اند. مثل روزنامه‌های شرق، اعتماد، ابتکار، دنیای اقتصاد، هم‌میهن، سازندگی و جهان صنعت.»

به گفته او هم امنیت شغلی و هم حرفه‌ای در این چهار دسته به نحو تبعیض‌آمیز و ناروایی متفاوت است: «در دسته اول، روزنامه‌نگاران و مسئولان آن، حقوق و مزایا و ثبات شغلی خوبی دارند. تا به حال اتفاق نیفتاده که روزنامه‌نگاری از این رسانه‌ها احضار شود. اگر از مدیرمسئول کیهان شکایت شده در مراجع قضایی با تسامح بسیار زیادی با او برخورد شده است. البته این کار خوبی است اما کاش این کار خوب برای بقیه روزنامه‌ها هم اتفاق بیفتد که با تسامح با آنها برخورد شود. در دسته دوم، وضعیت رسانه‌ها وابسته به وضعیت مسئولان بالادستی است. مثلاً زمانی که آقای کرپاسچی شهردار تهران و روزنامه همشهری به این طیف نزدیک‌تر بود، حتی همشهری توقیف هم شد و بعضی روزنامه‌نگارانش محاکمه هم شدند. این اتفاق برای روزنامه ایران هم افتاد. در دسته رسانه‌های نزدیک به سازمان‌ها، هم امنیت شغلی مناسبی وجود دارد و هم امنیت حرفه‌ای. کسی با آنها کاری ندارد در حالی که مطالب بسیار قابل نقدی از نظر حقوقی در این رسانه‌ها منتشر می‌شود.» این حقوقدان در ادامه گفت: «این سه دسته در قالب گفتمان حاکم در بخشی از نظام حرکت می‌کنند و معمولاً تبلیغ سیاست‌های حاکم‌اند و با آنها کاری ندارند. اما مهم‌ترین موارد نقض امنیت شغلی و حرفه‌ای دقیقاً شامل آن دسته از رسانه‌های کشور می‌شود که مروج روزنامه‌نگاری حرفه‌ای‌اند. یعنی نشریات وابسته به بخش خصوصی که از هیچ نهاد آشکار و پنهانی هم رانت و بوده‌ای نمی‌گیرند.»

به گفته نوروزی بنابراین امنیت حرفه‌ای و شغلی روزنامه‌نگاری در ایران وضعیت دوگانه‌ای دارد: «هرگاه رسانه به هسته قانونی قدرت نزدیک‌تر است، از امنیت حرفه‌ای برخوردار است. آقای عباس عبدی برای این دسته از رسانه‌ها عنوان بوق را به کار می‌برد. رسانه‌هایی که در داخل نظام حرکت و نظام حقوقی را رعایت می‌کنند، اما مایل نیستند فقط پژواک سیاست‌های حاکم باشند، هم در خطر توقیف‌اند، روزنامه‌نگاران‌شان در خطر بازداشت‌اند و انواع مخاطرات دیگر آنها را تهدید می‌کند. روزنامه‌نگاران این رسانه‌ها در وضعیت مالی بسیار بدی هم قرار می‌گیرند.»

رسانه‌داری در ایران، دوی با مانع

در ادامه این نشست مهدی رحمانیان، مدیرمسئول روزنامه شرق از تجربه شروع کار رسانه‌ای‌اش و البته موانعی که بر سر راهش قرار گرفته، گفت: «من از سال ۱۳۷۷ رسماً کار رسانه می‌کنم. هفته‌نامه شرق را در زاهدان راه‌اندازی کردیم و حدود چهار سال بعدش به روزنامه تبدیل شد. سال ۱۳۸۲ هم روزنامه رسماً در تهران راه‌اندازی شد. من اگر بخواهم از مشکلات و موانع روزنامه‌نگاری در ایران بگویم، شرح حال شرق را باید بگویم تا درک شود که رسانه‌ها در ایران در چه وضعیتی قرار دارند.»

از نظر رحمانیان، سال ۱۳۸۲ که روزنامه شرق راه‌اندازی شد، سال متفاوتی بود: «با روزنامه‌های حرفه‌ای توقیف یا به شکلی از چرخه رسانه حذف شده بودند و شرق در یک موقعیت خاص متولد شد و به دلیل اینکه کسانی که کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری می‌کردند در این روزنامه جمع شده بودند، ما روز اول با تیراژ ۵۰ هزارتا در تهران منتشر شدیم. تیراژی که قابل توجه و ۵۰ درصد آن هم برگشتی بود. این تیراژ رفته‌رفته بیشتر شد و ما به تیراژ ۱۰۵ هزارتا در روز رسیدیم. اما در همان سال انتخابات مجلس بود و روزنامه به مدت دو هفته از سوی دادستانی توقیف شد.»

به گفته او، توقیف روزنامه مثل هواپیمایی است که موقع تیک‌آف به آن شلیک می‌کنند: «برای ادامه کار روزنامه‌نگاری، توقیف مهم‌ترین مانع رسانه‌ها در ایران است. بعد از توقیف اول، ما ادامه دادیم و روزنامه سعی کرد با همان انرژی ادامه دهیم. در سال ۱۳۸۵ دوباره شرق توقیف شد. این توقیف حدوداً شش ماه طول کشید. مانع دوم انقطاع تجربه است. یک تعداد خبرنگار حرفه‌ای مثل یک تیم فوتبال با هم هارمونی پیدا کردند و وقتی که شش ماه یک روزنامه توقیف می‌شود، خبرنگار نمی‌داند که کی این روزنامه رفع توقیف می‌شود و طبیعتاً هم نمی‌تواند صبر کند و در نهایت از آن رسانه یا از کشور خروج می‌کند یا شغلش را عوض می‌کند.» رحمانیان گفت: «در سال ۱۳۸۶ بعد از رفع توقیف روزنامه را راه‌اندازی کردیم و حدود دو ماه منتشر کردیم که برای بار سوم توقیف شدیم. توقیف قبلی و این بار از سوی هیئت نظارت بر مطبوعات صورت گرفت. در اغلب این پرونده‌ها هم ما بعداً تبرئه شدیم. این توقیف دوسال‌ونیم طول کشید. بالاخره هر خبرنگار وفاداری هم که باشد، باید یک جایی برای خودش پیدا کند. ما با پوست کلفتی بعد از دوسال‌ونیم مجدد روزنامه را منتشر کردیم. برای بار چهارم در مهرماه ۱۳۹۱ توقیف شدیم. این دفعه سه‌ماه و ۱۰ روز طول کشید. همان موقع وقتی با مسئولان قضایی صحبت می‌کردم، گفتم ما چند بار توقیف شدیم و بعدش تبرئه شدیم. گفت شما می‌توانید بروید شکایت کنید. گفتم به کی شکایت کنیم؟ در هر حال از سال ۱۳۹۱ تا الان در حال انتشار شرق دوره پنجم هستیم.»

